



به استناد بند نخست ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق کودک در ۱۹۸۹،اهم نیازهای کودک از منظر تأمین اجتماعی و در جغرافیای خاص ایران امروز گویای وضعیت زیر است؛

۱- ساختار فعالیت و اشتغال در کشور نشان می دهد که با وجودی که سن کار ۱۵ سال به بالا می باشد ولیکن بر اساس آمار رسمی مرکز آمار در سال ۷۵ حدود ۳۶۸ هزار نفر افراد بین سنین ۱۴-۱۰سال مشغول به کار بوده‌اند. هر چند آمار غیررسمی به طور قطع بیش از این بوده و از تور آمارگیری و دستگاه‌های اجرایی خارج مانده‌اند و به دلایل مختلفی همچون ترس از بیکاری و اشتغال پنهان احصا نگردیده‌اند، استناد به رقم مذکور نیز گویای حضور زود هنگام کودکان در بازار کار بوده و از یکسو گویای نیاز اقتصادی خانواده‌های این طیف از کودکان و اجبار اشتغال آنان جهت کسب درآمد بیشتر می باشد و از سوی دیگر بیانگر آسیب‌پذیری دو چندان این کودکان هم به دلیل فقدان تأمین نظام اجتماعی و هم به دلیل اشتغال در مشاغل سیاه و سخت و زیان آوری است که از اوان کودکی و طفولیت تمامی قوای ذهنی و بدنی این قشر را رو به تحلیل می برد.
ارزان بودن نیروی کار در این مقطع سنی از عوامل مهمی است که کارفرمایان مشاغل خدمات و کارگاه‌های کوچک تولیدی را خواه در بخش رسمی و خواه غیررسمی و اقتصاد زیرزمینی را به سوی جذب این گروه از کودکان سوق می دهد.اطاعت‌پذیری، ناگزیری کودکان، نبود الزام پرداخت حق بیمه، دستمزدهای اندک و زیر حداقل‌های قانونی و سهولت جذب و جایگزینی این طیف سنی از جمله عوامل دیگر مؤثر بر بروز و شیوع این پدیده است.

پدیده مذکور را شاید از نظر تاریخی می توان در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی در مانوفاکتورهای کشورهای اروپایی در قبل از انقلاب صنعتی مشاهده کرد که از عمده عوامل مؤثر بر انقلاب‌های کارگری و جنبش‌های اجتماعی برای اعاده حقوق کودکان و زنان و شکل گیری اندیشه تأمین اجتماعی به شمار می روند.

۲- بررسی وضعیت آموزشی و نرخ باسوادی و بیسوادی در کشور نیز از دیگر

# تأمین اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی کودکان

شاخص‌های قابل بررسی و توجه می باشد. شواهد حاکی است ۹۴درصد افراد واقع در سن ۶-۱۵سالگی باسواد هستند. از سوی دیگر آمار گویای وجود بیش از یک میلیون نفر در سن ابتدای شروع تحصیل می باشد که به دلیل محدودیت امکانات آموزشی از امکان تحصیل برخوردار نمی باشند. همچنین افت تحصیلی سال‌های تحصیل در آموزش عمومی به ویژه در مقاطع تحصیلی مختلف نیز قابل توجه است، به طوری که افت تحصیلی از ابتدایی به راهنمایی حدود ۳۴ درصد می باشد که عمدتاً به دلیل دور دست بودن فضاهای آموزشی در پایه راهنمایی در اقصی نقاط کشور و فقر و نیاز خانواده‌ها به اشتغال کودکان خود به عنوان نان آوران خانواده زمینه بروز می یابد. وجود نهضت سوادآموزی در کشور با وجودی که در ابتدای انقلاب همانند هر تحول سیاسی و اجتماعی دیگری دارای کارکردهای ضروری بوده است امروزه ساختار نهادینه شده‌ای را برای ریزش‌ها و محرومیت‌های کودکان از فرایند آموزش رسمی و عمومی و تحصیل فراگیر و مستمر فراهم ساخته است. شاهد مثال اینکه وزارت آموزش و پرورش دیگر پذیرفته است با عدم پوشش فراگیر آموزش در مقطع ابتدایی و راهنمایی،ارگان ترمیم‌گری برای تأمین امکانات اولیه و حداقل آموزش برای اقشار غیربرخوردار از آن وجود دارد و طفیلی‌پروری و سیستم ترمیمی و تعمیر‌گاه‌های مجاز جایگزین ساختار اصلی و متولی آموزش رسمی و عمومی در کشور شده است. بدیهی است در چنین وضعیتی، امنیت اجتماعی کودکان و تأمین اجتماعی آنان نیز دستخوش آسیب شده و اشتغال کودکان و استثمار آنان، فقر روز افزون، بهره‌کشی زود هنگام از تن و روان کودکان و کاهش کیفیت سطح زندگی و در نهایت تنزل متوسط عمر نسل آتی این مرز و بوم نیز به صورت حلقه‌های تودرتو زاینده می شوند.

۳- سرپرستی و امنیت اجتماعی: معضل کودکان بی سرپرست بر اثر طلاق، ایتم، فرزندخواندگی و فرزندان نامشروع از زمره دیگر معضلاتی است که بر اثر آن کودکان فاقد چتر تأمین اجتماعی هستند. در جامعه ایران امروز هنوز تکلیف سرپرستی فرزندان نامشروع روشن نیست و قانونگذار به دلیل حمایت از نهاد خانواده و تشکیل رسمی آن، ازیچه‌های این نوع روابط غیر مشروع حمایت نکرده و این موضوع و مسأله سال‌هاست که بدون پاسخ مانده است. کودکان محصول چنین روابط غیررسمی فاقد حداقل‌های امنیتی در خانواده و تأمین اجتماعی لازم می باشند.

از سوی دیگر در حال حاضر حدود ۷/۵میلیون نفر در سنین ۱۴-۱۰سالگی ازدواج کرده‌اند که پدیده زودرسی ازدواج و پذیرش مسؤولیت زایمان، کودک پروری و شوهرداری در بین این طیف سنی و کودکان را به نمایش می گذارد. آسیب‌پذیری این

قشر به میزانی است که نه تنهازن و شوهر به دلیل ورود زود هنگام در قبول مسؤولیت‌های اجتماعی در معرض بهره‌کشی جنسی و اجتماعی قرار می گیرند، بلکه فرزندان این قشر نیز به دلیل فقر مبانی اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها و تهدید از هم گسیختگی و طلاق در معرض آسیب‌های متعددی قرار دارند. شواهد حاکی است از بین افراد بی همسر در سنین ۱۴-۱۰سال (سن کودکی) ۱۷۰۰ هزار نفر مرد و ۹۱۸ هزار نفر زن می باشند.

به بیان دیگر با وجودی که نسبت افراد بی همسر بر اثر طلاق می بایست یکسان باشند ولیکن به دلیل اینکه مردان بی همسر در ازدواج مجدد اغلب به سوی ازدواج با دختران دیگر رومی آورند که به اصطلاح باکره و دوشیزه باشند و سایر مردان نیز به سوی ازدواج با زنان مطلقه روی نمی آورند، لذا تعداد زنان بی همسر نسبت به مردان بی همسر بیشتر بوده و در واقع ۱۴۸ هزار نفر کودک با جنسیت زن وجود دارند که مطلقه بوده و با فرزند یا بی فرزند حلقه‌های شوم بی سرپرست و آسیب‌پذیری کودکان در جامعه ایران امروز را به هم می دوزند.

۴بهداشت و درمان: هر چند شاخص‌های اصلی بهداشتی در کشور گویای بهبود وضعیت نسبی است و بیانگر کاهش نرخ مرگ و میر کودکان در بدو تولد و زیر یکسال می باشد ولیکن به دلایل پیش گفته محدودیت امکانات بهداشتی، حجم بالای نسبت نفر تخت در کشور در مقایسه با استانداردهای جهانی، عدم پوشش فراگیر و همه شمول آب سالم و تصفیه شده برای آحاد افراد جامعه، آلودگی هوا و صدا در جوامع شهری همگی بیش از هر گروه سنی، کودکان را تحت فشار و آسیب‌های حاصل از این محرومیت‌ها قرار می دهد.

توسعه نهادها و تأسیسات اجتماعی مدرن در کشور از قبیل نهادهای آموزشی، اشتغال در بخش‌های صنعتی و خدماتی، گسترش فاصله طبقاتی، تورم و فاصله بیش از حد هزینه و درآمد منجر به بروز وضعیتی شده است که اشتغال دو گانه زن و مرد در خانواده و فقر توسعه فراگیر و کارآمد سیستم خدمات اجتماعی همچون مهدهای کودک خواه از نظر تربیتی و خواه آموزشی، فقر خانواده‌ها و ضرورت اشتغال زود هنگام کودکان و بروز پدیده کودکان خیابانی و فراری و همچنین گسترش تهدیدهایی همچون طلاق و بروز بی سرپرستی و کودکان و زنان بی سرپرست از زمره دیگر تبعات دلایل پیش گفته‌ای است که بهداشت تن و روان کودکان امروز نسل آتی جامعه ایران را دستخوش مخاطرات بی شماری می کند.

امروزه اثبات شده است که قربانیان اصلی خشونت‌های اجتماعی همچون نزاع‌های قومی و جنگ‌ها و همچنین تبعیض‌های ناروا و فقر عدالت اجتماعی، زنان، کودکان و

# تأمین اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی کودکان

## علی طایفی

از جمله کودکان دختر می باشند. تبعیض‌های دینی، نژادی، طبقاتی و در قمر همه این‌ها تبعیض جنسی محصولی جز ایجاد و گسترش زیرساخت‌های ذهنی و عینی فقر و تضاد و بحران از یک سو و انتقام و کینه توزی از سوی دیگر نخواهد داشت.

گسترش مناصب اجتماعی همچون بزهکاری کودکان ناشی از بی سرپرستی فقر اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها، قاچاق کودکان به ویژه دختران و ظهور بازار خرید و فروش دختران؛ نرخ‌هایی ارزان، اعتیاد کودکان در خانواده‌های معتاد، استفاده ابراری از کودکان برای کسب درآمد‌های نامشروع از سوی خانواده‌ها و یا سایر عوامل سودجو، کودک آزاری و گسترش اشکال و شدت این مسأله اجتماعی در کشور به ویژه جوامع شهری و در نهایت بر خورد‌های رسمی ناشایست با مسائل و پدیده‌های اجتماعی غیررسمی مذکور از قبیل قانون قیم مائی، محکومیت و برخورد زاجر ه با جرایم کودکان به جای برخورد‌های تنبیهی، محدودیت امکانات فیزیکی از زندان‌ها و عدم گروهبندی سنی مناسب و ناکارآمدی خانه‌های تأدیب در کشور از زمره دیگر شرایطی است که وضعیت نابسامانی کودکان در جامعه ایران امروز را بیش از پیش تیره می نماید.

بی تردید کم توجهی به مسائل روز کودکان امروز به بهانه پرداختن به مسائل بزرگسالان که از فوریت و اضطرار بیشتری برخوردار بوده و فارغ از آینده‌نگری، می تواند از بروز بحران‌های روزمره و دانمگیر در ایران امروز می تواند پیشگیری کند (هر چند که در یک نگاه ژرف‌انگر پاسخگویی به این نیاز‌ها نیز در وضعیت کنونی و در افق کوتاه مدت عملی نخواهد بود)، منجر به وضعیتی خواهد شد که هر چه از نظر زمانی بیشتر می رویم زمینه بروز بحران‌های اجتماعی و فرهنگی بیشتر شده و فرصت هر گونه برنامه‌ریزی را از نظام برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کشور خواهد گرفت.

بی تردید با ارائه تصویری ناقص و ناکارآمد از گسترش چتر تأمین اجتماعی در کشور و اثرات نامطلوب آن به ویژه در بین کودکان، یکی از مهمترین راه‌های برون رفت از این وضعیت بازسازی و شالوده شکنی ساختار توزیع ثروت و قدرت در جامعه می باشد که فقرا نیز در فرآیند دمو کراسی شرکت جسته و با اندیشه و جسم سالم به دنبال احقاق حقوق پایمال شده اجتماعی خود برآمده و نظام فراگیر تأمین اجتماعی را به منظور توسعه ساختار‌های عدالت اجتماعی پی ریزی نمایند. در این مسیر مسؤولان برنامه ریز، تصمیم گیر و سیاستگذار کشور از صادر تا ذیل همواره این پیام را باید گوشواره خود سازند که «کودکان نسل آینده جهان و ایران امروز هستند. آنان را برای آینده‌ای تربیت کرده و آموزش دهیم که از آن ما نیست و دیگر ما بر آن حکومت نخواهیم کرد.